

دکتر باقرپور کاشانی

بررسی توقیع امام عصر علیه السلام به علی سَمُری
در ادعای مشاهده

هو اعلم

بررسی توقیع امام عصر علیه السلام به علی سمری در ادعای مشاهده

توقیع حضرت به علی بن محمد سمری:

«ای علی بن محمد سمری! بشنو! خداوند بزرگ گرداند اجر برادران تو را در تو. پس به درستی که توفوت خواهی شد از حال تا شش روز. پس جمع کن امر خود را و وصیت مکن به احدی که قائم مقام تو باشد بعد از فوت تو. پس به تحقیق که واقع شد غیبت تامه. پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی، و این بعد از طول زمان و قساوت قلوب و پر شدن زمین است از جور، و زود است که می آید از شیعه من کسی که مدعی مشاهده است. آگاه باشید که هر کسی مدعی شود مشاهده را پیش از خروج سفیانی و صیحه پس از او، کذاب و مفتری است. و لا حول ولا قوه الا بالله علی العظیم».

بینید من این را قبلاً این طوری معنی می کردم، می گفتم که اگر کسی ادعای مشاهده کند که هر وقت بخواهد، یعنی بگوید هر وقت بخواهم امام را می بینم، این کذاب هست! چون این جا تشریف دست تو نیست، دست امام هست! اذن خدا می خواهد! اما من ادعای مشاهده حضرت را می کنم! چه وقت؟ هر وقت بخواهم!

یعنی مثل چه کسانی؟ مثل نواب خاصه! مشاهده اقسامی دارد؛ مشاهده می‌کنم هر وقت که بخواهم ادعای مشاهده می‌کنم! این بله! اگر به این معنا بگیریم درست است! اما این باز معنی اش با آن چیزی که در روایت هست عام گفته شده! من برای خودم می‌گویم که اگر چنانچه فرد، ادعای این را بکند که من هر وقت بخواهم، اما در روایت این گفته نشده! من جور دیگری می‌خواهم بگویم این روایت را با توجه به آن تشرفات که نمی‌خواهیم از دست بدهیم، می‌خواهم این روایت را درستش بکنیم.

مرحوم محدث نوری، چند جواب می‌دهد.

جواب اول آنکه ایشان می‌فرمایند این خبر ضعیف است! این خبر را خبر ضعیفی دانستند! خبری ندانستند که بشود به آن استناد کرد! و غیر آن هم خبر واحد است! یعنی مفید یقین ندارد! امر ظنی هست! نمی‌توانیم یقین بکنیم به این روایت! و حدیث هم حدیث ضعیفی هست.

«که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد». از این نمی‌شود یقین پیدا کرد!

«پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدا می‌شود».

چون ایشان تشرفات حضرت را جمع‌آوری کرده در کتاب «نجم الثاقب»، می‌گوید با آن همه گزارشاتی که شده این نمی‌تواند با یک خبر واحد ضعیف مقابله کند!

«هرچند از هر یک از آن‌ها پیدا نشود بلکه از جمله‌ای از آن‌ها دارا بود، کرامات و خارق‌عاداتی را که ممکن نباشد صدور آن‌ها از غیر آن جناب».

ببینید ایشان یک‌سری تشرفات می‌آورد که مثلاً فرض بکنید که یک تشریفی دارد شیخ حسین آل رحیم؛ این بیماری سل داشته، شفا پیدا می‌کند. اسماعیل هرقلی؛ اطبا نگاه می‌کنند یک زخمی در رانش در روی رگ اکحلش قرار گرفته، خون می‌آمده بنده خدا را هم اذیت می‌کرده، اطبایی نگاه می‌کنند که حتی مسلمان نبودند، گزارشاتش هست، و می‌گویند درست نمی‌شود. وقتی خدمت حضرت می‌رسد، اثره این زخم هم می‌رود! می‌خواهم بگویم معجزاتی در تشرفات گزارش شده که مرحوم محدث نوری آورده که این دیگر معجزه هست! غیر حضرت چه کسی می‌تواند این کار را انجام بدهد؟! و خودشان هم یافتند که این امام زمان هست، خودش را آقا معرفی کرده که من امام زمان هستم.

می‌گوید آن همه گزارشات موثق هست، حالا یک روایتی آمده مقابل این می‌گوید آقا هر کسی مشاهده بکند، این کذاب و مفتری هست!

اولاً این روایت خبر واحد هست، اما آن‌ها در حد تواتر می‌باشد! و این خبر واحد و خبر واحد ضعیف هم هست، ما نمی‌توانیم قبول بکنیم مگر یک معنی دیگر برایش در نظر بگیریم! ایشان این را فرمودند.

بعد می‌فرماید:

«پس چگونه رواست اعراض از آن‌ها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن که شیخ طوسی است عمل نکرده».

می‌گوید خود شیخ طوسی و آن‌هایی که این روایت را نقل کردند، در کتاب‌هایشان باب تشرفات هم آوردند! شمایی که این‌ها را نقل کردی، آن تشرفات را نباید بیاورید! اگر به این معنا بگیری! یک خبری بوده تشرفات را آورده، با این تشرفات داری چی کار می‌کنی؟ نفی این حدیث می‌کنی! این حدیث هم ظاهرش دارد نفی آن تشرفات می‌کند! پس آن‌هایی هم که این حدیث را آوردند التفات نکردند!

«چنانچه بیاید کلام او در این مقام، پس چه رسد به غیر او و علمای اعلام از قدیم تا حال، امثال این وقایع را قبول دارند و در کتب ضبط فرموده‌اند و به آن استدلال کرده‌اند و اقناع نموده‌اند و از یکدیگر گرفته‌اند و از هر هر ثقة مأمونی که اطمینان به صدق کلام او داشته‌اند، نقل امثال آن‌ها را از او تصدیق کرده‌اند. چنانچه در غیر این مقام با او می‌کردند.»

پس این روشن است که می‌گوید تشریفاتی بوده و آن‌ها را موثق دانستند، پس این را جور دیگری معنی کردند.

در جواب دوم ایشان می‌نویسد:

«شاید مراد از این خبر، تکذیب کسانی است که مدعی مشاهده با ادعای نیابت و رساندن اخبار از جانب آن جناب به سوی شیعه را دارند».

گفته مشاهده و ارتباط با نیابت، مثل چی؟ مثل چهار نایب خاص. چون این‌ها می‌گفتند ما حضرت را مشاهده می‌کنیم، منتها نایب خاص حضرت هم هستند و حدیث از حضرت می‌گرفتند می‌آمدند گزارش می‌کردند. ایشان می‌گوید شاید نسبت به این‌هاست! کما اینکه می‌گوید این حدیث برای چه کسی آورده شده؟ می‌گوید این حدیث برای جناب سمیری آورده شده! سمیری هم مشاهده ادعا می‌کرده، هم نیابت خاصه! آمده در ارتباط با این گفته کسی که ادعای مشاهده همراه با نیابت داشته باشد، کما اینکه جناب سمیری چنین خاصیتی دارد، این چیست؟ این کذاب است! این حدیث این را می‌خواهد بگوید، این وجه را در نظر بگیرید. یعنی باز مشاهده همراه با ادعای نیابت.

«چنانچه سفرای خاص آن حضرت در غیبت صغری داشتند و این جواب از علامه مجلسی در کتاب بحار الأنوار است». علامه مجلسی این را در کتابش به این معنا در نظر گرفته است.

«جواب سوم: آن چیزی است که قصهٔ جزیرهٔ خضراء معلوم می‌شود و گذشت که زین‌الدین علی بن فاضل به سید شمس‌الدین عرض کرد».

در مورد جزیرهٔ خضراء یک کتاب هم نوشته آقای حجت‌الاسلام علی‌اکبر مهدی‌پور در اثبات جزیرهٔ خضراء. یک کتاب دیگر هم بر نقد این کتاب نوشته شده! به هر حال روایات و بحث‌هایی در مورد جزیرهٔ خضراء هست که ما این را فعلاً در این کتاب دنبال نمی‌کنیم، اما یک وقت مفصلی باشد، خیلی بحث جزیرهٔ خضراء شیرین است.

ایشان می‌گویند که با توجه به آن گزارشی که در ارتباط با جزیرهٔ خضراء هست، اینگونه آورده که:

«ای سید من! ما روایات کردیم احادیثی از مشایخ خود از صاحب‌الامر که آن حضرت فرمود: هر که در غیبت کبری گوید که مرا دیده به تحقیق که دروغ گفته. پس با این چگونه در میان شما کسی است که می‌گوید من آن حضرت را دیده‌ام؟ گفت راست می‌گویی. آن حضرت این سخن را فرمود در آن زمان به سبب بسیاری دشمنان از اهل بیت خود و غیر ایشان از فراعنهٔ زمان از خلفای بنی‌عباس، حتی آن که شیعیان در آن زمان یکدیگر را منع می‌کردند از ذکر کردن احوال آن جناب، و اکنون زمان طول کشیده و دشمنان از او مأیوس گردیدند و بلاد ما از آن ظالمان

و ظلم ایشان دور است و به برکت آن جناب دشمنان نمی‌توانند که به ما برسند. و این وجه که سید فرمودند جاری است در اکثر بلاد و اولیای آن حضرت علیهم‌السلام».

ببینید بحث سر این است که حضرت گفته به خاطر اینکه جان کسانی که ارتباط با حضرت داشتند را حفظ کنند؛ یعنی چه؟ بنی عباس اگر این‌ها را جدی می‌گفتند، هر که ادعا می‌کرد سرش را می‌زدند! گفته امام فرمودند این‌ها دروغگو هستند! یعنی اگر کسی گفت من امام را دیدم، کاری به کارش نداشته باشید. زیرا آن موقع جریان این طوری بود برای حفظ شیعیان بود. الان که بنی‌العباس کنار رفته و به هر حال راحت‌تر می‌شود حرف زد، این در این مورد صدق نمی‌کند، یعنی به‌عنوان تقیه بوده؛ جهت، جهت تقیه بوده!

پس مرحوم محدث نوری در سه وجه، این مسأله را مطرح می‌کند با توجه به این روایتی که این‌جا گزارش شده است.

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ